

## قوم طوارق در شمال مالی (بررسی علل شورش طوارق در غرب آفریقا)

### چکیده

آفریقا در دهه گذشته شاهد بحران‌ها، درگیری‌ها، کودتاها و نزاع‌هایی بود که برخی از آنها خسارات فراوانی برجای نهادند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ قوم طوارق در شمال مالی به دلیل انزوای سیاسی و عمرانی منطقه دست به شورش زد. طی پنج سال، شورش در آستانه تبدیل شدن به یک جنگ داخلی بود اما به دلیل اینکه شورش حمایت خارجی مهمی نیافت و شرایط منطقه برقراری صلح را ایجاب می‌نمود دولت و قوم طوارق بر مبنای مذاکره و گفتگوی سازنده به توافق رسیدند و موافقتنامه صلح (در سال ۱۹۹۵) به امضا رساندند. طی مراسمی (در سال ۱۹۹۶) هزاران سلاح متعلق به شورشیان در آتش سوزانده شد و صلح و آرامش در منطقه برقرار گردید. در این تحقیق نگارنده به بررسی زمینه سیاسی جغرافیایی بروز این شورش پرداخته و سپس با بررسی آداب، سنن و فرهنگ قوم طوارق و نقش قدرتهای خارجی در بحران و تداوم آن، زمینه‌ها و علل پایان یافتن بحران را بیان می‌دارد.

کلید واژه‌ها: آفریقا، مالی، طوارق، شورش، بحران، گفتگو.

### مقدمه

مالی کشوری با جمعیت یازده میلیون نفر (آمار ۲۰۰۲ سازمان ملل) و مساحتی بالغ بر ۱/۲۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع در غرب آفریقا و محصور در خشکی در میان هفت کشور الجزایر در شمال، نیجر در شرق، بوركینا فاسو در جنوب شرقی، گینه کوناکری در جنوب غربی، ساحل عاج در جنوب، سنگال در غرب و موریتانی در شمال شرق قرار دارد. این کشور در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۶۰ از فرانسه استقلال یافت. اولین رئیس جمهور آن مودیو کیتا نظام سوسیالیستی را در کشور بنیان نهاد. این نظام

که در تنگنای نظامهای غربی قرار گرفته بود هشت سال بیشتر دوام نیاورد و در سال ۱۹۶۸ سرهنگ موسی ترانوره طی کودتایی قدرت را به دست گرفت و مدت ۲۳ سال بر مالی حکم راند. در سال ۱۹۹۱ سرهنگ دوم احمد تومانی توره طی کودتایی با پشتیبانی مردمی قدرت را در دست گرفت و موسی ترانوره و همسرش را به زندان افکند. وی مقدمات انتخابات آزاد و سراسری و همه پرسی قانون اساسی جدید و یک نظام لائیک را پی ریزی کرد و در هشتم ژوئن ۱۹۹۲ قدرت را به آلفا عمر کناره واگذار نمود (وی در انتخابات سال ۲۰۰۲ به ریاست جمهوری مالی برگزیده شد). از سال ۱۹۹۰ قوم طوارق<sup>۱</sup> در شمال مالی دست به شورش زده و با نیروهای نظامی درگیر شده بود. این شورش که در حال تبدیل شدن به یک جنگ داخلی تمام عیار و حتی منطقه‌ای بود با کمک سازمان ملل متحد و ابتکار رییس جمهور مالی و میانجی‌گری الجزایر در سال ۱۹۹۵ با امضای قرارداد صلح میان دولت و گروههای شورشی طی مراسمی با عنوان «شعله‌های صلح» (۱۹۹۶) به پایان رسید.

بررسی این منازعه از آن جهت حائز اهمیت است که در آفریقا شورشها و منازعات متعدد منجر به قتل عامها و دگرگونیهای مهم در کشور و منطقه مربوطه شده‌اند و گاه حل مسالمت‌آمیز آنها بسیار دشوار ارزیابی شده است. اما بر منازعه‌ای که در حال تبدیل به یک جنگ داخلی بود خط پایان کشیده شد و صلح در منطقه برقرار گردید. مطالعه این مورد می‌تواند نمونه‌ای مناسب در دیپلماسی پیشگیرانه و حل منازعات آفریقا و حتی دیگر نقاط جهان باشد.

## ۱. امنیت در آفریقا

چرا از ناامنی در آفریقا بحث می‌شود؟ برخی بن‌بستهای امنیتی در آفریقا را می‌توان ناشی از ناامنی‌های نظامی مانند کودتاها، شورشها و ناامنی‌های شهری به خاطر توسعه قارچ‌گونه شهرها دانست. شهرهایی که با هرج و مرج و بدون نظارت ساخته شده و اندک اندک مشکلات جدی برای دستگاههای اداری (پلیس، سازمانهای شهری و غیره) ایجاد کردند. دستگاه اداری در برخی موارد کنترل اوضاع را از دست داده است. این شهرها لبریز از جمعیت شدند در حالی که روستا که محل زندگی سالمی است مورد بی‌مهری دولتها قرار گرفت. هجوم سیل‌گونه روستاییان به شهرها موجب پدید آمدن گروههای حاشیه‌نشین، باندهای تبهکاری و غیره شد. وضعیت روستاییان نابسامان گردید، مالیاتهای سنگین وضع شد و علیرغم پیشرفتهای قابل توجه در زمینه کشاورزی، منفعت

تولیدکنندگان تقریباً به صفر رسید، در حالی که آمارها نشانگر رشد اقتصادی و تولید کشاورزی هستند. پایه‌های اقتصادی- اجتماعی آفریقا بر کشاورزی (کاشت و برداشت محصول، دامداری، صیادی، باغداری و ...) قرار دارد لذا دولتهای آفریقایی باید به روستاها به عنوان ابزار توسعه بنگرند.

هنگامی که در سالهای ۱۹۴۴-۱۹۴۶ فرانسه سیاست استعماری خود را به سیاست لیبرال و اعطای خودمختاری تدریجی (اعطای شهروندی به همه، انتخابات همگانی، انتخابات مجالس محلی و ...) تغییر داد، کشورهای آفریقایی به دلیل سالها تحمل استعمار و فروپاشی پایه‌های سنتی مدیریت و حکومت، فاقد زمینه‌های لازم برای تقبل چنین مسؤولیتی بودند و این سیاست جدید فرانسه نظام سیاسی آفریقا را تغییر داد. انتخابات زیادی با حضور احزابی که با الگوبرداری از احزاب سیاسی فرانسه تشکیل شده بودند برگزار شد. اما اندک اندک آنها تخصصی‌تر شدند و موجب ظهور گروه‌های کوچک متمرکز حول محور قوم خود شدند. این امر را بالکانیزه شدن آفریقا نامیدند زیرا در آفریقا مفهوم ملت به معنای خاص وجود ندارد بلکه قوم و عشیره در تقسیم‌بندی‌ها حرف اول را می‌زند. (Poulton, 1998: 439)

اکثر دولتهای آفریقایی پس از استقلال در راستای وحدت کشور طبق فرهنگ خاص گروه و «قبیله» خود رفتار کردند و غالباً راه‌حلهای مبتنی بر زور همچون استبداد را برای تشکیل دولت در پیش گرفتند. اما در برابر ناتوانی مدیران در برقراری نظم، نیروی جدیدی یعنی نیروی اسلحه بروز کرد که سعی داشت در برابر فساد قدرت ایستادگی کند. بدین ترتیب کودتاهایی روی داد که غالباً وضعیت کشورها را بهبود بخشیدند. استقلال هم به عنوان انتقال بارها بر دوش دولتهای جوانی تعبیر شد که هنوز آمادگی این امر را نداشتند.

در مورد مرزها نیز (میراث استعمار) سازمان وحدت آفریقا که در سال ۱۹۶۳ تأسیس گردید تصمیم گرفت مرزها را به همان نحو که بود نگه دارد زیرا هرگونه تغییری در مرزها را شعله‌ور کردن آتش جنگ میان دولتهای تازه تأسیس شده ارزیابی می‌کرد.

نکته قابل توجه دیگر اینکه در آفریقا کمتر سیاستمداری مخالفت خود را به شکل مستدل با مقامات حاکم مطرح نموده است. در آفریقای پیش از استعمار راه عادی برای ابراز مخالفت خروج یا انصراف کامل از حکومت بود. در حیطه حکومتی پس از استعمار فرصتهای خروج از دستگاه به‌طور ناگهانی کاسته شد و متعاقب آن گرایش توسل به زور افزایش یافت. چنانچه تاریخ غرب آفریقا را مطالعه کنیم در می‌یابیم که در هر برهه‌ای از تاریخ، قومی خاص حکومت نموده و کمتر زمانی را می‌توان یافت که حکومتی با مشارکت اقوام دیگر تشکیل شده باشد. البته همین امر موجب

شد تا در فرهنگ آفریقا کمتر قومی نسبت به قوم دیگر فخر فروشی کند زیرا هر قوم برای خود گذشته‌های درخشان و دوره‌ای از اعتلا و حکومت بر مناطق وسیع داشته است (Cornevin, R, 1964; 18).

مناقشات عصر حاضر حاصل مدیریت ناصحیح امور کشورها می‌باشند. این امر موجب مشکلات فراوان و قتل عامها شده است. مردم مجبور به پناهجویی به خارج یا جابجایی در داخل کشور شده‌اند. معلولان، یتیمان و بیوه‌گان زیادی برجای گذارده و زیرساخت‌ها (جاده، راه آهن، بندر، مراکز درمانی و آموزشی و...) و مراکز تولید اقتصادی (معادن، کارخانجات، گردشگری، بازرگانی و...) را ویران ساخته است (San Marko; 1996, 7).

انتخابات ناقص یا بد تدارک شده یا با تقلب می‌تواند برهم زننده امنیت باشد و نمونه‌های متعددی از این نوع ناامنی در آفریقا مشاهده شده است (الجزایر، ساحل عاج). اما اکثر مناقشات سالهای اخیر آفریقا مناقشات داخلی بوده که اساساً، اعتراض به حکومت یا به اجرای اختیارات دولت بوده است. هر قدر این مناقشات بیشتر به طول انجامد موجب بروز فرهنگ جدیدی می‌شوند که در حقیقت با جامعه اصلی تفاوت اساسی دارد. کشتارها، تیراندازیهای روزمره و مصونیتی که عاملان این جنایات برخوردارند، فرهنگ خشونت را در کشورهای مورد مناقشه به وجود می‌آورد. مردم به سرعت به نظامی‌گری روی می‌آورند زیرا گروهها، خانواده‌ها و افراد برای دفاع از خود یا حمله به دیگران مسلح می‌شوند. یک مناقشه داخلی طولانی مدت، اقتصاد جنایی با تشویق انواع مختلف قاچاق (مواد مخدر، مواد معدنی، سلاح و...) را به وجود می‌آورد.

« باید مفهوم امنیت، سطح امنیت درخواستی و چگونگی تأمین بودجه آن را مشخص نمود برای این کار پیش‌بینی مشکلات پیش روی امنیت کشور و امکانات موجود و قابل دسترس مهم است. بدین سبب راهبردی مشخص و عملی ضروری است و وظایف نیروهای مسلح باید کاملاً مشخص و مدون باشد. کشورهای آفریقایی ضرورتاً نیازی به ارتشهایی همچون کشورهای صنعتی ندارند و مطالعه ساختار، تعداد نیرو و ترکیب نیروهای مسلح اهمیت به سزایی دارد. این نوع مطالعه باید بر مبنای شرایط داخلی، تعهدات منطقه‌ای و بین‌المللی و امکانات مادی باشد» (Dai, Tabias; 2002, 4).

همان‌طور که تویباس دای وزیر دفاع موزامبیک در جمله بالا اشاره نموده در کشور شورش زده که مرحله بازسازی را طی می‌کند چگونگی تأسیس یک ارتش و نیروی امنیتی بدون وابستگی به قوم یا مذهب یا گروه جغرافیایی خاص اهمیت به سزایی دارد. در اکثر کشورها پیش‌بینی این امر در قوانین اساسی صورت می‌گیرد اما اجرای آن با مشکل مواجه می‌شود.

هنگامی که دولتها اعضای ارتش یا نیروهای امنیتی را از گروهها یا قوم خاصی برگزینند این امر خدشه به امنیت ملی خواهد بود زیرا ارتش باید یک ارتش ملی باشد. سران سیاسی اهمیت کمی به آموزش ارتش می‌دهند و نیروهای ارتش غالباً کم سواد و بدون آموزشهای نظامی، حقوقی و ... هستند و فقط به عنوان آخرین چاره به کار می‌روند. از سوی دیگر عدم توجه به اهمیت امنیت شهری موجب شده تا به پلیس کمتر از ارتش توجه شود که در این صورت هم، امنیت دولت به خطر می‌افتد.

نکته مهم اینکه دستگاههای امنیتی آفریقا کمتر تحت نظارت پارلمان قرار دارند و عموماً در مجلس پاسخگو نیستند و بیشتر باید به شخص اول کشور پاسخ دهند. این به معنای در اختیار گرفتن نیروهای امنیتی در راستای منافع جناح حاکم است که در دراز مدت موجب سرخوردگی دیگر گروهها و اعتراضات اجتماعی می‌شود.

ارتشهای جهان دست به تعریف مجدد وظایف خود زده‌اند تا مطابق با نیازهای جدید باشند و ارتشهای آفریقا نمی‌توانند از این امر مستثنی باشند. حتی دولتهای دارای امکانات خوب که نهادهای امنیتی شکننده دارند در برابر جریانهای شورشی آسیب پذیرند. در اکثر موارد شورش فقط در مرزهای یک کشور باقی نمی‌ماند و به کشورهای همسایه کشیده می‌شود (GAY.H, 1994, 76).

حال اگر در کشوری شورش روی داد چگونه باید در اسرع وقت جلوی آن را گرفت. بسیاری از کشورها از دخالت در امور داخلی دیگر کشورها پرهیز می‌کنند لذا اقدامات سیاسی پیشگیرانه قبل از وقوع شورش و اقدامات بازدارنده داخلی (از طریق مذاکره و تفاهم) مؤثرتر است و اقدام عملی (پاسداری از صلح) آخرین راه حل خواهد بود. زیرا اقدام عملی و اعزام نیرو به مناطق شورش زده، روند سیاسی پیچیده و هزینه‌های زیادی در بر دارد و همیشه هم با موفقیت کامل همراه نبوده است. برای این امر در اکثر موارد جلب موافقت کشورهای کمک دهنده و سازمانهای بین‌المللی مشکل است و نیاز به زمان زیادی دارد (Nguema.I, 1995, 16).

اگر اکثر کشورهای کمک‌رسان دیدگاه یکسانی از امنیت و نوع نداشته باشند، تشویق آنها به دخالت در حل شورش مشکل می‌باشد. این مشکل اساسی سازمانهای منطقه‌ای و قاره‌ای است که اگر می‌خواهند درگیریهایی آتی را پیشگیری کنند باید آن را حل نمایند (Ibid.15).

کشورهایی که با شورش و درگیری مواجه شده‌اند مسایل مهمی همچون خلع سلاح، تأسیس ارتش ملی، پراکندن گروههای مسلح و به کارگیری مبارزان سابق در جامعه دارند. بیکاری و

دسترسی به سلاحهای سبک تخته امنیت و آرامشی است که باید پس از شورش برقرار شود. مدیریت داخلی مناقشات برای توسعه و حفظ صلح و امنیت امری حیاتی است زیرا علت اصلی درگیریها سیاسی است و باید به عمق آنها پرداخت.

## ۲. قوم طوارق

عشایر ۱۷ درصد جمعیت کشور مالی را تشکیل می‌دهند که شامل اقوام طوارق، مور<sup>۲</sup> و پیل می‌باشند و طوارق مهمترین گروه صحرائنشین در کشور مالی را تشکیل می‌دهند. طوارق (جمع کلمه طارقی) کوچ‌نشین و از نژاد بربر و سفید پوست می‌باشند که در دسته‌های متعدد در صحرای شمال آفریقا (لیبی، الجزایر، نیجر، بوركینا فاسو و مالی) پراکنده‌اند. نژاد بربر به دلیل همزیستی با نژاد سیاه، دورگه شده است (Andriamirado.S, 1985, 200).

جدول ۱ پراکندگی قوم طوارق در کشورهای مختلف

کشور	جمعیت (میلیون نفر)	تعداد طوارق (هزار نفر)	درصد از کل	توضیحات
نیجر	۱۰	۱۵۰۰	۱۵	در این کشور بیشترین تعداد قوم طوارق زندگی می‌کنند.
مالی	۹	۹۰۰	۹	در این کشور، شدیدترین درگیری طوارق با قدرت حاکمه روی داد.
لیبی	۴	۲۰۰	۵	لیبی هویت قوم بربر را به رسمیت نمی‌شناسد.
الجزایر	۲۸	۱۰۰	۱/۰۵	بسیاری از آوارگان طوارق در مدت شورش از مالی به الجزایر پناهنده شدند.
بوركینا فاسو	۱۰	۵۰	۱/۰۵	در این کشور مورد خاصی از درگیری طوارق با دولت مرکزی گزارش نشده است.

منبع: سایت [www.membres.lycos.fr/temoust.htm](http://www.membres.lycos.fr/temoust.htm) آمار سال ۱۹۹۸.

کل جمعیت طوارق در منطقه کمتر از سه میلیون نفر برآورد می‌شود که در منطقه‌ای با عنوان آزواد<sup>۳</sup> در کشور های فوق‌الذکر به کوچ‌نشینی و دامداری اشتغال دارند. طوارق مردان صحرا هستند با قامت لاغر و کشیده، چهره‌ای پوشیده با دستار و عموماً به عنوان «مردان آبی رنگ صحرا»<sup>۴</sup> شناخته می‌شوند. لباس سنتی آنها (بویوی بلند) به رنگ آبی کمرنگ است. یک طارقی رزم‌آور و شترسواری چابک و مسلح به شمشیر و دشنه است. همیشه تعدادی خدمتگذار از طایفه بلا<sup>۵</sup> (بردگانی که امروزه آزاد هستند) یک طارقی شریف را همراهی می‌نمود. طوارق دائماً در جستجوی آب برای سیراب کردن گل‌هایشان در بیابان سرگردان هستند (N'Diay, 1970, 27).

2. Maure.

3. Azawad.

4. les Hommes bleus du desert.

5. Bella.

## قبایل طوارق

فردی به نام روژه در سال ۱۸۹۷ در مقاله‌ای قبایل طوارق را به شرح زیر طبقه‌بندی نموده است:

۱. ایموشارها<sup>۶</sup> یا ایماگارن‌ها<sup>۷</sup>: آنها خود را نجیب‌زاده و از نژاد لیوبربر می‌دانند که طی قرن‌ها در صحرا کوچ‌نشین بوده‌اند. آنها مدعی داشتن خون و نژاد ناب هستند و در قله هرم اجتماعی طوارق قرار می‌گیرند. ایموشارها به تدریج که صحرا پیشروی نمود به دنبال چراگاه‌های جدید به سمت جنوب سرازیر شدند. این روند مهاجرت قرن‌ها ادامه داشت. خانواده‌های ایموشار دارای شجره‌نامه هستند که وابستگی آنها را به یکدیگر نشان می‌دهد.

۲. ایمرادها<sup>۸</sup> یا رعیتها: قبایلی هستند که به دلیل ضعفشان تحت حمایت دیگر قبایل طوارق درآمده و به آنها خدمت می‌کنند. میان ایمرادها و ایموشارها یک پیوند فتودالی شخصی (پرداخت خراج - تیوسه<sup>۹</sup> یا غفاره<sup>۱۰</sup> - توسط گروهی از ایمرادها به خانواده ایموشارها) و در برخی موارد پیوند فتودالی جمعی وجود داشت و این امر برای در امان ماندن از قتل و غارت بسیار مهم بود.

برخی قبایل در برهه‌ای از زمان به چنان قدرتی دست یافتند که ادعای استقلال نمودند مانند قبیله کل گوسی<sup>۱۱</sup>. آداب و سنن بربر نزد ایمرادها بیشتر از ایموشارها حفظ شده است. آنها به هنگام کارزار سلاحهای ارباب خود را حمل می‌کردند اما در زمان صلح فقط خراج داده و به زندگی و اموال شخصی خود می‌پرداختند.

۳. بلاها، اسرایی بودند که به نجبا یا به ایمرادها تعلق داشتند و کلیه کارهایی که نیاز به قدرت بدنی داشت توسط آنها انجام می‌شد. هرگونه بیگاری از آنها مجاز و ارباب بر مرگ یا زندگی آنها اختیار تام داشت. آنها تماما از نژاد سیاه یا دورگه و در واقع اسرایی هستند که طوارق طی جنگهای خود در جنوب به اسارت می‌گرفتند.

۴. مارابوها که شامل قبایل جنگجویان، شریفها<sup>۱۲</sup>، Iguellad و Kel-es-souk می‌باشند. از آن جهت اعضای این قبایل را مارابو می‌نامند که بیشتر امور خود را با آداب مذهبی، ادعیه، دعانویسی، ذکر و ... انجام می‌دهند (N'Diay, 1970, 29).

## نظام سیاسی - اداری طوارق

اعضای یک خانواده یا طبقه اجتماعی یک «قبیله» را تشکیل می‌دهند. قبیله هویت اصلی گروه می‌باشد که در آن سه گروه سفید، سیاه و دورگه به امور اجتماعی قبیله می‌پردازند. در میان

۶. Imochar) در زبان طوارق یعنی جنگجو).

7. Imaggaren.

8. Imrad.

9. tiosset.

10. ghafara.

11. Kel Gossi.

12. cherifien.

طوارق تفاوت نژاد و حتی طبقه اجتماعی مشکل اصلی نمی‌باشد. بلکه اختلاف سطح زندگی در گروه‌های مختلف مشکل آنها می‌باشد. در صحرا برتری از آن قوی‌تر است. به همین سبب قبایل و یا شاخه‌های آنها اقدام به تشکیل کنفدراسیون‌هایی می‌کردند که در رأس آن یک آمنوکال<sup>۱۳</sup> یا رییس قرار داشت که قبلاً فقط از میان طبقه نجبا و بعدها از میان نجبا و ایمرادها انتخاب می‌شد. سپس اندک اندک در برخی قبایل ریاست کنفدراسیون موروثی شد اما از طبقه مستقیم (پسر و دختر) نبود و از اقوام درجه دوم بود. بدین ترتیب وارث رییس نه فرزند وی بلکه پسر ارشد خواهرش بود. در این مورد می‌توان تفوق نظام مادرسالاری را مشاهده نمود. علت انتخاب این روش این است که در برخی موارد تعیین پدر با مشکل مواجه می‌شد اما در تعیین مادر مشکلی وجود نداشت. البته وراثت راه نهایی رسیدن به ریاست کنفدراسیون نبود بلکه وارثان ریاست می‌بایستی مورد قبول جوامع تشکیل دهنده کنفدراسیون هم قرار گیرند. مراسم انتخاب رییس جدید با حضور جنگجویان قبایل و با سلاح کامل انجام می‌شد. اگر جنگجویان با ریاست فرد مورد نظر مخالف بودند شمشیرهای خود را از نیام بیرون می‌کشیدند و اگر موافق بودند سپرها را مقابل خود می‌گرفتند (Gregorie.E, 2000, 118).

نوعی شورا (جماعه) مرکب از نجبا (با رأی اصلی) و ایمرادها (فقط با رأی مشورتی) رییس را یاری می‌نمود. در نحوه انتخاب رییس مشاهده می‌شود که نوعی نظام نیمه مردم سالاری رعایت می‌شد. در واقع رییس قبیله (امرار)<sup>۱۴</sup> یا رییس کنفدراسیون (آمنوکال) فقط به دلیل وراثت به ریاست نمی‌رسید. از سوی دیگر رییس کنفدراسیون مادام‌العمر رییس نمی‌شد. چنانچه گروه‌هایی که او را انتخاب کرده بودند از او سلب اعتماد و یا اینکه با وی اختلاف پیدا می‌کردند می‌توانستند وی را خلع و فرد دیگری را معرفی کنند (Boutgeot.A, 1997, 85).

## نظام قضایی

در کنفدراسیون‌ها و یا قبایل طوارق دو نوع دادگستری وجود داشت:

۱. دادگستری حل اختلاف ۲. امور جزایی

در امور اختلافات، یک عالم (قاضی) وظیفه قضاوت را برعهده داشت. جماعه و معتمدان کنفدراسیون طی یک امتحان کتبی و شفاهی عالم را انتخاب می‌کردند. در هر دعوی دو نفر به وی کمک می‌کردند که پس از ختم دادرسی کار آنها نیز تمام می‌شد. در امور جزایی، قانون همسنگ جرم<sup>۱۵</sup>

13. Amenokal.

14. Amrar.

۱۵. La loi du talion چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان.



در دعاوی عمومی اجرا می‌شد. فرد زخمی یا مضروب می‌توانست رأساً عدالت را اجرا و خانواده مقتول حتی بدون حکم قاضی می‌توانست انتقام خود را بگیرد اما در مواردی که اجرای عدالت موجب برهم خوردن نظم عمومی می‌شد قضیه به «جماعه» به ریاست امرار یا آمنوکال ارجاع داده می‌شد و رییس جماعه «ادا» یعنی مجازات همسنگ جرم را اعلام می‌کرد. در این نظام قضایی زندان وجود نداشت (N'Diay, 1970, 18).

### نظام اجتماعی

یک خانواده طارقی مرکب است از: رییس چادر، همسر وی، فرزندان و برده‌ها. به ندرت یک خانواده بیش از یک چادر دارد. برده‌ها چادر خاص خود را در میان دیگر برده‌ها و در مجاورت چادرهای اربابان خود دارند. نزد طوارق، زن نقش مهمی در رهبری خانواده ایفا می‌کند. مرد بیشتر اوقات گله‌ها را برای چرا به راههای دور می‌برد و ممکن است مدتها غایب باشد. در نتیجه مدیریت خانواده، پذیرایی از میهمانان و ... برعهده زن است. نظر زن در شوراها خانواده مورد توجه قرار می‌گیرد حتی در امور قبیله نیز از نظر زنان استفاده می‌شود. برده‌ها زیر نظر زن کار می‌کنند. مرد طارقی به همسرش احترام زیادی می‌گذارد به ویژه اگر زن بتواند امزاد (نوعی ساز سنتی شبیه ویولون) را به خوبی بنوازد و اشعار سنتی بخواند (Ketetigui, M, 1984, 175).

در بررسی شجره‌نامه قبایل بربر در نهایت به اسامی زنهایی برمی‌خوریم که نام شوهر آنها ثبت نشده‌اند و این نشان می‌دهد که نژاد بربر در منشاء دارای نظام مادرسالاری بوده است. برخلاف دیگر نقاط آفریقا که چند همسری در آن رواج دارد در طوارق چند همسری رایج نیست و امور خانواده توسط زن مدیریت می‌شود. دلیل این امر یکی آداب سنتی طوارق و دیگری کوچ‌نشین بودن آنها است که مرد در بسیاری از اوقات گله را به چرا برده و نمی‌تواند تمام وقت در میان همسران خود باشد و در این شرایط چند همسری جز دردسر و گرفتاری مضاعف برای مرد طارقی نتیجه‌ای در بر ندارد. وقتی یک طارقی پایان حیات خود را احساس کند تمام اهل خانواده را گرد خود جمع کرده و آخرین صحبتها را با آنها می‌کند. سپس توحید را بر زبان جاری و اگر توان اینکار را نداشته باشد با انگشت سبابه دست راست با اشاره وحدانیت خدا را اقرار می‌کند. جسد فوراً با آب گرم غسل داده می‌شود سپس در پارچه سفید و نوکفن و طبق آئین اسلام به خاک سپرده می‌شود. تعیین ارث ورثه توسط یک عالم و طبق آیین اسلام بلافاصله پس از فوت انجام می‌شود.

لباس طوارق بویوهای بلند آبی لاجوردی رنگ از جنس پنبه است. آنها رنگ لاجوردی را می‌پسندند و به مرور رنگ آبی روی پوست آنها می‌ماند، به همین دلیل به مردان طوارق، «مردان

آبی رنگ صحرا» هم گفته می‌شود. رنگ آبی برای آنها نشانه آسمان بی انتهاست. طوارق با تکه‌ای از همان پارچه سرو صورت و گردن خود را می‌پوشانند. بدین ترتیب به غیر از دو چشم، عضو دیگری از طارقی دیده نمی‌شود. آنها صورت خود را به غریبه‌ها نشان نمی‌دهند حتی برای نوشیدن آب روی خود را برمی‌گردانند تا چهره‌شان دیده نشود. در واقع هرچه آنها برای فرد احترام بیشتری قابل باشند چهره خود را بیشتر می‌پوشانند. طارقی به لباس خود کمربندی چرمی کار شده می‌بندد. مرد طارقی به محض اینکه به سن حمل سلاح می‌رسد یک بازوبند از جنس سنگی به نام Serpentine سبز رنگ یا شیست تیره رنگ در بالای آرنج دست راست می‌بندد و هرگز آن را از خود جدا نمی‌کند. سه دلیل برای استفاده از این بازوبند متصور است:

۱. به هنگام نبرد (با شمشیر) این بازوبند می‌توانست ضربه شمشیر حریف را خنثی کند.

۲. در نبرد تن به تن برای شکستن سر حریف به کار می‌رفت.

۳. نشانه‌ای برای اعلام آمادگی جسمی مرد جوان.

در برخی قبایل، مردان دو یا سه بازوبند به دست می‌کنند. زنان طارقی نیز خود را با لباس گشاد آبی رنگ می‌پوشانند و موهای خود را بافته و روی کمر می‌ریزند یا با استفاده از استخوان تراشیده شده با سوزن روی سر جمع کرده و گردن بندهای مروارید به گردن می‌اندازند و غالباً دستانشان برهنه است. برخلاف مردان و سنت عربی، زنان طارقی اجباری به استفاده از حجاب ندارند. از نظر اعتقادی، طوارق مسلمان بوده و شریف (سید)ها جزو معتمدان طوارق هستند. آنها خود را از خاندان پیامبر اسلام و از نسل فاطمه زهرا (س) و علی بن ابی طالب (ع) می‌دانند. شریفها از احترام خاصی در میان طوارق برخوردارند. در میان طوارق به ویژه به هنگام نماز هیچ فرقی میان ارباب و برده مشاهده نمی‌شود. با وجود پابندی شدید به اسلام، طوارق بسیار خرافاتی هستند و لباس آنها پوشیده از انواع طلسم و مهره و... است که برای دور کردن چشم زخم، ارواح پلید، نفرین و طلسم به کار می‌روند. حتی در موارد بسیاری از جادوگری استفاده می‌کنند. برخی ساعات و روزها و مکانها را پلید، شوم و نحس و برخی دیگر را خوش یمن و میمون می‌دانند. یعنی علیرغم پذیرش اسلام هنوز هم بسیاری از آداب زمان بی‌دینی خود را رها نکرده‌اند. آنها از شخصیت‌های تاریخی و کهن خود طلب یاری و کمک می‌کنند و قبایل برای خود توتم دارند. در میان آنها، مارمولک بزرگ (بزمچه) محترم و مقدس است. آنها به زیارت قبور اعتقاد دارند. زنان شوهر گم کرده (که به جنگ یا سفر رفته باشد) بهترین لباس خود را بر تن کرده به قبرستان رفته و کنار قبر یک فرد مورد احترام دراز کشیده و خواستار اخباری از گم کرده خود می‌شود (N'Diay, 1970, 32-33).

### ۳. شورش طوارق در شمال مالی

طوارق قرن‌ها بر معادن نمک صحرا تسلط داشته و کاروانهای حامل نمک را از صحرا به مناطق جنوبی می‌فرستادند و در بازگشت، انواع کالا از جمله کولا، برنج، پارچه و غیره وارد می‌کردند. استقرار امپراتوریهای بزرگ مالی و سونقوی و نیز مراکز عمده آموزش علوم اسلامی در شمال مالی به ویژه در تمبوکتو و گائو موجب اقتدار و شوکت طوارق شده بود. به گفته نگارنده تاریخ السودان از قرن سیزدهم میلادی به بعد تمام کاروانهای صحرا از تمبوکتو عبور می‌کردند و افراد ثروتمند که از مناطق مختلف آمده بودند در آن شهر سکونت داشتند. تمبوکتو پایتخت اقتصادی و مذهبی «سلسله عسکیا» بود (Konaré, K, 2001, 199).

رنه کاییه، کاشف و جهانگرد فرانسوی قرن نوزدهم، اولین اروپایی بود که در لباس یک مصری در سال ۱۸۲۸ وارد تمبوکتو شد. وی مشاهدات خود را در سفرنامه‌ای به رشته تحریر درآورد که موجب شهرت او در اروپا شد زیرا در اروپا همه تمبوکتوی اسرارآمیز را از خلال نوشته‌های نویسندگان عرب می‌شناختند اما کسی آنجا را ندیده بود. دانشگاه علوم اسلامی تمبوکتو در قرن شانزدهم میلادی هم‌ردیف دانشگاههای مصر، کوردو و جنه بود. در این قرن بیش از بیست و پنج هزار طلبه در تمبوکتو به فراگیری علوم اسلامی اشتغال داشتند و جمعیت شهر بیش از هشتاد هزار نفر بود (Ibid, 200). مغربی‌ها که به ثروت و غنای تمبوکتو رشک می‌بردند در قرن شانزدهم آن را تصرف کرده، علمای شهر را به مغرب فرستاده و تمبوکتو مرکز اقتصادی مغرب در صحرا شد.

قبل از ورود استعمار به آفریقا، طوارق برخوردار از قدرت سیاسی و اقتصادی در صحرا به‌ویژه در غرب آفریقا بودند زیرا بر بازرگانی کاروانهای صحرا تسلط داشتند و ارتباط خوبی با کشاورزان حاشیه جنوب صحرا داشتند. استعمار این رابطه را بر هم زد و کنفدراسیونهای طوارق را منحل و گروههای زیر دست ترتیب داد تا بهتر بتوانند طوارق را کنترل کنند. راههای صحرا اهمیت اقتصادی خود را از دست داد. مناطق جنوب صحرا که از آب و هوای بهتری برخوردار بود مرکز تجمع اداری سیاسی کشور شد و مناطق سکونت طوارق به فراموشی سپرده شد. پس از استقلال مالی نیز حکومت به سیاهان سپرده شد و پذیرش این امر برای طوارق که قرن‌ها حاکم بر صحرا بودند سخت‌گران آمد (Ibid, 37).

قبل از استقلال نیز سرزمین طوارق توسط استعمار با خطهای فرضی و غیر طبیعی جدا گردید و آنها میان چند کشور پراکنده شدند و اختیار امور مناطق به مدیران دستگاه اداری غیر طارقی سپرده شد. دولتهای پس از استقلال نیز به ویژه در مالی و نیجر آنها را به حاشیه راندند تا حدی که منطقه

طوارق (به دلیل صحرایی و دور از دسترس بودن) به فراموشی سپرده شد. هیچ اقدام عمرانی در مناطق طوارق به اجرا در نیامد و خشکسالیهای شدید سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۸۴ موجب وخیم‌تر شدن اوضاع طوارق شد. آنها اکثر دام خود را از دست دادند و این به معنای فلج شدن اقتصاد و منبع درآمد اصلی طوارق بود. بدین سبب بسیاری از طوارق مالی به لیبی و الجزایر گریختند.

### آغاز بحران

اولین شورش طوارق علیه دولت مرکزی مالی در سال ۱۹۶۳ روی داد که شدیداً توسط مودیو کیتا اولین رئیس جمهور مالی سرکوب شد. الجزایر (در زمان ریاست جمهوری بن بلا) مسؤولان طوارق را که به الجزایر گریخته بودند به دولت مالی تحویل داد. در این شورش تعدادی طارقی کشته شدند و جامعه بین‌الملل توجهی به آن نکرد. در دوران ریاست جمهوری ژنرال موسی ترائوره (۱۹۶۸-۱۹۹۱) نیز عملاً هیچ توجهی به طوارق و مشکلات معیشتی و اجتماعی آنها نشد، طوارق مجدداً دست به شورش زدند که توسط دولت موسی ترائوره سرکوب شدند.

طی سی سال استقلال کشور مالی تا سال ۱۹۹۰ طوارق از صحنه سیاسی و اقتصادی کشور دور نگهداشته شدند تا جایی که اقوام سیاهپوست مالیایی آنها را بیگانگانی دانسته که باید به لیبی یا الجزایر بازگردند. پس از استقلال نیز رژیمهای منطقه با گرایش به قومیتی خاص و نادیده انگاشتن نقش طوارق در منطقه در حقیقت واقعیتهای موجود را نادیده انگاشتند در حالی که همین اقوام طی قرون متمادی مکمل یکدیگر بودند و زندگی مسالمت آمیزی داشتند.

« در سال ۱۹۹۰ عده‌ای از جوانان قوم طوارق اسلحه به دست گرفته و علیه حکومت مرکزی کشور مالی اقدام نمودند. در ژانویه ۱۹۹۱ با وساطت الجزایر یک موافقتنامه صلح میان طرفین در منطقه طمانقاست<sup>۱۶</sup> (الجزایر) به امضا رسید اما این موافقتنامه به دلیل اینکه با عجله تدوین شده بود آثار مثبتی در پی نداشت و نبرد میان طرفین ادامه یافت. در ۲۰ می ۱۹۹۱ در منطقه لره<sup>۱۷</sup> در استان تمبوکتو دهها طارقی در درگیری با ارتش مالی کشته شدند. در تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۹۲ مجدداً با وساطت الجزایر یک میثاق ملی با هدف پایان بخشیدن به درگیریها به امضا رسید. در این میثاق برای سه استان شمالی مالی (گائو، تمبوکتو و کیدال) وضعیت اداری خاصی پیش‌بینی شده بود. در ۱۴ می ۱۹۹۲ تعدادی طارقی در منطقه گوسی<sup>۱۸</sup> اعدام شدند. در ۱۷ می ۱۹۹۲ در منطقه فویتا<sup>۱۹</sup> (نزدیک مرز موریتانی) ۴۸ دامدار نزدیک چاه آب در درگیری با نظامیان کشته شدند. در نتیجه این درگیریها هزاران طارقی به موریتانی، الجزایر و بورکینا فاسو گریختند. در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۲

16. tamanghasset.

17. léré.

18. Gossi.

19. Foita.

سران جنبش جبهه‌های متحد آزواد<sup>۲۰</sup> قصد دیدار با رییس جمهور جدید مالی آقای آلفا عمر کناره را داشتند اما در باماگو (پایتخت مالی) مجبور شدند به سفارت الجزایر پناهنده شوند. در ۲۱ آوریل ۱۹۹۴ سی نفر طارقی در منطقه مناکا به دست ارتش مالی کشته شدند و این امر بحران را تشدید نمود» ([www.membres.lycos.fr/temoust.htm](http://www.membres.lycos.fr/temoust.htm)).

متعاقب شورش طوارق در کشور مالی، طوارق در نیجر نیز دست به اقداماتی زدند اما شورش آنها قربانیان و آثار مخرب کمتری داشت زیرا اولین رییس جمهور آن کشور آقای دیوری همانی<sup>۲۱</sup> پس از استقلال یک طارقی را مسؤول تأسیس وزارتخانه‌ای به نام «وزارت امور صحرایی و عشایر» نمود تا اطمینان طوارق را نسبت به توجه دولت به آنها جلب کند. در آوریل ۱۹۹۵ هم با وساطت فرانسه، الجزایر و بورکینا فاسو میان دولت نیجر و طوارق آن کشور پیمان صلح به امضا رسید و مناقشه طوارق در آن کشور پایان یافت (Poulton, R, 1998, 9).

اما دولتهایی که در کشور مالی روی کار آمدند آنقدر با مشکلات متعدد مواجه بودند که طوارق از اولویت آنها خارج می‌شد. اعتصابات دانش‌آموزان، دانشجویان و کارمندان، تقاضاهای بی‌پایان ارتش، کاهش صد در صدی ارزش فرانک سیفا (واحد پول مالی) در سال ۱۹۹۴ و متعاقب آن وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی کشور، همه موجب شد تا طوارق بیش از پیش در حاشیه فراموشی قرار گیرند. لذا شورش و حملات آنها بالا گرفت تا جایی که یک گروه دفاع مردمی به نام «گاندا کوی» (به معنی اربابان زمین) تشکیل شد تا در برابر تهاجمات طوارق مقابله نماید. با این اقدام شورش به مرحله جنگ داخلی وارد شد و درگیریهای پراکنده‌ای میان طوارق و سیاهپوستان عضو گاندا کوی به وقوع پیوست. خطر یک جنگ داخلی فراگیر و گسترده کشور را تهدید می‌کرد، جنگی که می‌توانست کل منطقه را تحت تأثیر قرار داده و مشکلات جدی برای دولت مالی به وجود آورد. به ویژه اینکه طوارق در کشورهای همجوار سکونت داشته و همراه شدن آنها با طوارق مالی می‌توانست منطقه غرب آفریقا را وارد بحرانی شدید نماید. بدون درک شرایط زیست محیطی و سیاسی قبل از شورش نمی‌توان مراحل مختلف برقراری صلح را درک نمود. خشکسالی در شمال مالی و عدم توجه عمومی به شمال و تغییر نظام استبدادی به مردم سالاری در پایتخت، عوامل قابل توجه هستند. مشکل طوارق که از ۱۹۹۰ الی ۱۹۹۵ به طول انجامید یک پدیده مجزا نمی‌باشد و با درک انزوای سیاسی اقتصادی عمومی طوارق که خشکسالی و تحمیل قدرت نظامی بر مناطق شمالی کشور نیز به آن افزوده شد قابل درک می‌باشد. زمانی که سرهنگ احمد تومانی توره، ژنرال موسی

20. Mouvement des Fronts Unifiées de l'Azawad.

21. Diori Hamani.

ترائوره را در سال ۱۹۹۱ از قدرت خلع نمود قبل از انتقال قدرت به جانشین خود می‌بایستی یک موافقتنامه صلح با جنبشهای شورشی در شمال امضا کند. در تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۹۲ یک میثاق ملی با تلاش تومانی توره به امضا رسید و در هشتم ژوئن ۱۹۹۲ آقای آلفا عمر کناره طی انتخابات همگانی و آزاد به ریاست جمهوری رسید. با این وجود مجدداً خشونت در شمال مالی بروز نمود و دولت جدید مجبور شد برای برقراری صلح دست به اقداماتی بزند.

### نقش حمایت خارجی

مالی و اکثر کشورهای غرب آفریقا سالها مستعمره فرانسه بودند و فرانسه به خوبی از امکانات معدنی منطقه اطلاع داشت. در منطقه صحرا (شمال مالی تا درون کشور نیجر) معادن غنی اورانیوم وجود دارد که استخراج آنها همیشه مورد توجه قدرتهای بزرگ بوده است و این امر بدون برقراری آرامش در منطقه با مشکل جدی مواجه بود. در منطقه شمال مالی منافع دولتهای خارجی را به شرح ذیل می‌توان ارزیابی نمود.

- لیبی: این کشور امکانات مادی و اقتصادی فراوان حاصل از فروش نفت در اختیار دارد. متعاقب انزوای بین‌المللی ناشی از حادثه لاکروبی، لیبی نیاز پیدا کرد تا حمایت کشورهای همجوار را به دست آورد اما با علم به اینکه کشورهای حاشیه صحرا و غرب آفریقا عمدتاً فقیر و دریافت‌کننده کمک از کشورهای غربی هستند. لذا در سازمانهای بین‌المللی و مجامع تصمیم‌گیری موضع آنها موافق با منافع لیبی نخواهد بود، اقدام به تأسیس اردوگاههایی در مرزهای جنوبی خود برای آموزش طوارق نمود. سپس با مسلح کردن آنها و اعطای امکانات مادی و لجستیکی، تحت عنوان کمک به بازگرداندن طوارق به کشورهايشان، به کشورهای مالی، نیجر، بوركينا فاسو باز می‌گرداند. سران کشورهای فوق هم که در پی آرامش مرزهای خود بودند و این حرکت لیبی و تجهیز و تسلیح طوارق را مغایر امنیت ملی خود می‌دانستند، به ریزنی نزد لیبی پرداختند. لیبی هم ضمن نشان دادن سخاوت از خود و اعطای برخی کمکهای نقدی و عمرانی، آنها را برای حمایت از خود نزد مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای ترغیب می‌نمود. در همین راستا رییس‌جمهور وقت مالی (آلفا عمر کناره که دو دوره پنج ساله را به پایان رساند و قدرت را طی انتخابات همگانی به ژنرال احمد تومانی توره واگذار نمود) طی ده سال ریاست جمهوری خود بیش از چهل بار به لیبی سفر نمود اما قذافی حتی یکبار هم به مالی سفر نکرد. پس از برقراری صلح در شمال مالی که بدون موافقت و همیاری لیبی میسر نمی‌شد، درخواست مالی همیشه این بود که لیبی طوارق موجود در اردوگاههای خود را به

کشور مالی بازنگرداند. در این راستا، مالی، نیجر، چاد و بورکینا فاسو هم از لغو مجازاتهای لیبی در سازمانهای بین‌المللی و از سیاستهای لیبی در تأسیس اتحادیه آفریقا، تغییر رییس سازمان وحدت آفریقا و ... با جدیت حمایت نمودند و هر زمان که این کشورها در حمایت از بخشی از سیاست لیبی سستی نشان می‌دادند لیبی تعدادی طارقی را به درون مرزهای آن کشورها گسیل می‌داشت و این امر مساوی بود با ورود عده‌ای مسلح و آموزش دیده که فاقد کار، زمین و درآمد بودند و در صحرای شمال چاره‌ای جز راهزنی و تخطئه امنیت نداشتند. لیبی در کشورهای فوق‌الذکر طرحهای عمرانی مختلفی اجرا و کمکهای نقدی هم اعطا می‌کند و بدین ترتیب حمایت آنها را به دست می‌آورد به ویژه اینکه لیبی داعیه رهبری در آفریقا دارد.

- فرانسه: در اواخر عمر رژیم موسی ترائوره (رییس‌جمهور مخلوع مالی در سال ۱۹۹۱) فرانسه آگاه از بروز تغییر و تحولات جدی در کشور مالی شده بود، از سرکوب شورشیان شمال توسط موسی ترائوره ممانعت نکرد و پس از سرنگونی رژیم وی و استقرار دولت انتقالی سرهنگ احمد تومانی توره (۱۹۹۱-۱۹۹۲) نیز برای ختم بحران در شمال کمک جدی به دولت تازه تأسیس به عمل نیاورد. با روی کار آمدن دولت آلفا عمر کناره در سال ۱۹۹۲ برای تحت فشار قرار دادن دولت جدید قدمی در حل بحران شمال برنداشت تا بتواند از این طریق دولت تازه تأسیس را در کنترل داشته باشد. رییس‌جمهور مالی طی دو سال دو نخست‌وزیر عوض نمود و در سال ۱۹۹۴ آقای ابراهیم بوبا کار کیتا (سفیر وقت مالی در ساحل عاج و عضو انتر سوسیالیست فرانسه) به باماکو فراخوانده شد و مسؤولیت نخست‌وزیری به وی محول گردید (در انتخابات ریاست جمهوری مالی در سال ۲۰۰۲ نیز آقای کیتا کاندیدای مورد حمایت فرانسه بود). بدین ترتیب با گذشت سه سال ضرورت ختم مناقشه در شمال مالی احساس شد.

- ایالات متحده آمریکا: از اواخر دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون، آمریکا رویکرد جدیدی نسبت به آفریقا نشان داد. پس از حوادث سومالی و کشته شدن تعدادی از نیروهای پاسدار صلح آمریکا در آن کشور، دولت آمریکا راهکار جدیدی در پیش گرفت تا با تشکیل یک نیروی پاسدار صلح آفریقایی، عملاً آفریقایی‌ها را در مناقشات رودر روی یکدیگر قرار دهد و از تلفات نیروهای خود در این گونه مناقشات جلوگیری نماید. هدف این طرح جلوگیری از تهدیدات فراملی، پیشگیری، مدیریت و حل و فصل مناقشات و کاهش هزینه‌های مداخله مستقیم آمریکا بود. در این طرح (آمریکا) کشور مالی در غرب آفریقا به عنوان پایگاه نیروهای پاسدار صلح انتخاب گردید و

وارن کریستوفر (وزیر وقت امور خارجه آمریکا) در سال ۱۹۹۶ و فرمانده نیروهای نظامی آمریکا در مدیترانه، هر کدام دو بار به مالی سفر کردند. پس از برقراری صلح در شمال مالی، نیروهای داوطلبان صلح آمریکا (که سی و پنج سال قبل به ابتکار کندی رییس جمهور وقت آمریکا تأسیس شده بود و در بیش از سی کشور فعالیت دارند) به مالی اعزام شدند. ابتدا ۶۰ نفر سپس ۳۰۰ نفر و طبق آمار سفارت آمریکا (در باماگو) در سال ۱۹۹۸ تعداد ۸۰۰ داوطلب در کشور مالی حضور داشت. این داوطلبان جوانانی هستند که شش ماه آموزش زبان محلی و فرهنگ بومی محل مأموریت را دیده و سپس به کشور مورد نظر اعزام می‌شوند. در کشور محل مأموریت هم به روستاهای دورافتاده اعزام و به مدت دو سال با مردم روستا زندگی کرده و به آنها آموزشهای اولیه در مورد کشاورزی، بهداشت، صابون‌سازی و ... می‌دهند اما وظیفه اصلی آنها شناخت دقیق منطقه، آداب و رسوم و نقاط قوت و ضعف و اختلافات اقوام می‌باشد. این طرحها و نیز بهره‌برداری از معادن اورانیوم منطقه نیازمند آرامش در منطقه بود لذا حمایت از شورش طوارق برای قدرتهای بزرگ توجیه خود را از دست داد. در حال حاضر بیشترین تردد سازمانهای غیر دولتی غربی در شمال مالی متمرکز شده و اهمیت راهبردی منطقه شمال مالی موجب شده تا پس از برقراری صلح، مالی از یک سری کمکهای بین‌المللی برخوردار شود.

- الجزایر: الجزایر در شمال مالی قرار دارد و کنترل مرز گسترده و صحرایی دو کشور برای مقامات الجزایر کاری بس دشوار است. گروههای مسلح الجزایر نیز با پناه بردن به صحرا مشکلات جدی برای دولت‌های این کشور به وجود می‌آورند لذا دولت‌های الجزایر همیشه در صدد کنترل آمد و شد مرزهای جنوبی خود به ویژه با مالی بودند و شورش یک گروه مسلمان و بربر در کشور مالی و تردد و مراودت آزاد آنها با گروههای اسلامی الجزایر می‌توانست مشکلات امنیتی جدی برای آن کشور به وجود آورد. لذا این کشور در حمایت از گروههای طوارق منفعتی نداشت و در برهه‌های مختلف سعی نمود با میانجیگری اختلافات را پایان دهد. سفير الجزایر در باماگو آقای عبد القرایب (که پس از انقلاب اسلامی ایران اولین سفير الجزایر در جمهوری اسلامی ایران بود) نقش فعالی در این خصوص ایفا نمود.

#### ۴- شعله‌های صلح<sup>۲۲</sup>

در سال ۱۹۹۵ پس از پنج سال ناآرامی بالاخره دولت مالی با گروههای مسلح طوارق «موافقتنامه صلح» به امضا رساند. امضای این موافقتنامه و اجرای آن با همکاری سازمان ملل متحد



و با میانجی‌گری فعال دولت الجزایر انجام شد. بیش از سه هزار شورشی به خلع سلاح و همکاری با دولت رضایت دادند و ده هزار شورشی دیگر اطمینان لازم برای تحویل سلاح در برابر ورود به حیات مدنی در سالهای آتی را به دست آوردند.

سازمان ملل نیز در این روند (در برگزاری مراسم شعله‌های صلح در سال ۱۹۹۶) کمک نمود. بیش از سه هزار اسلحه شورشیان در این مراسم در آتش سوزانده شد. سازمان ملل با کمتر از ده میلیون دلار به دولت مالی در برقراری صلح کمک نمود و یک صندوق ویژه برای کمک به رزمندگان سابق که در ارتش وارد نشده بودند جهت ورود به حیات مدنی تأسیس کرد تا به ده هزار رزمنده سابق کمک‌هایی اعطا نماید. این تجربه نشان داد که برقراری صلح مؤثرتر و کم هزینه‌تر از پاسداری از صلح است. ([www.unfpa.org/swp/2002/swpsearch](http://www.unfpa.org/swp/2002/swpsearch))

عبارت « برقراری صلح » در برگیرنده راههای مذاکره میان گروههاست که از آن طریق گروههای مسلح بپذیرند سلاح را بر زمین بگذارند. ورود مجدد آنها به جامعه مالی نشانگر آغاز روند تقویت صلح بود. پاسداری از صلح (به عبارت دیگر دخالت نیروهای بین‌المللی با هدف تضمین امنیت لازم برای مذاکرات صلح) هرگز در کشور مالی رخ نداد.

رییس جمهور وقت مالی (آقای آلفا عمر کناره) با اعتقاد بر اینکه صلح باید از بطن مردم برخیزد با بیرون کشیدن تعداد زیادی از واحدهای نظامی از شمال و دادن امکان به جامعه مدنی برای آشتی جمعی از خود درایت نشان داد و بدین ترتیب شورشیان تصمیم به زمین نهادن سلاح گرفتند. دولت امکانات متعددی برای جذب نیروهای شورشی در دستگاه اداری یافت به ویژه در ارتش پس از تفاهم بر روند انتخاب افراد، در مرحله اول ۱۵۰۰ طارقی به مدت شش ماه آموزش نظامی دیدند و پس از آن به ارتش پیوستند. در میثاق ملی که اواخر سال ۱۹۹۵ میان دولت مالی و جنبش جبهه‌های متحده آزواد به امضا رسید کاهش تدریجی نیروهای نظامی در منطقه شمال مالی، تأسیس نیروهای نظامی امنیتی با اکثریت طوارق، پذیرش طوارق در نیروهای مسلح و پلیس، آموزش آنها، اعطای امکانات اقتصادی به رزمندگانی که سلاح بر زمین نهاده‌اند، پیش‌بینی شده است.

## فرهنگ گفتگو

یکی از نکات بارز در فرهنگ آفریقا سنت شفاهی است. تمامی آداب و رسوم سینه به سینه و به صورت شفاهی منتقل شده و به نسلهای کنونی رسیده است زیرا اکثر زبانهای آفریقایی فاقد خط نوشتاری هستند در نتیجه طی قرنهای تمامی مسائل از جمله تاریخ و سنن و رسوم به طریق شفاهی

منتقل شده‌اند. این امر موجب شده تا در قبایل مختلف پیران و کهنسالان به عنوان گنجینه اطلاعات شناخته شوند تا حدی که در کشور مالی طبق یک ضرب‌المثل گفته می‌شود « وقتی یک پیر از دنیا می‌رود یک کتابخانه اطلاعات از دست رفته است » (Konaré.k, 2001, 50).

این اهمیت به پیران موجب شده تا نقش آنها در حیات اجتماعی، حتی سیاسی قبایل آفریقا بسیار پررنگ شود تا حدی که هیچ ازدواجی بدون اجازه پیر خانواده انجام نمی‌شود. در اختلافات خانوادگی و قبیله‌ای، همه اعضا تابع نظر پیران و ریش‌سفیدان هستند. در حال حاضر نیز حتی با گسترش شهرنشینی و آزادیهای به سبک غربی، این احترام در خانواده‌ها وجود دارد و اعضای خانواده تابع رأی ریش‌سفیدان هستند. از سوی دیگر شکارچیان، جنگجویان، جادوگران و ... مراسم سنتی را با گفتار و حرکات موزون انجام می‌دهند. در هر قبیله عده‌ای به نام گریو<sup>۱۳</sup> (آواز خوان سنتی) وجود دارند که بسیار مورد احترام مردم هستند و در تمام مراسم به خواندن اشعار سنتی و بازگویی تاریخ و سنن قوم می‌پردازند. آنها را ارباب سخن می‌نامند و در امور اختلافات و تصمیم‌گیری‌های مهم مورد مشورت قرار می‌گیرند (Andriamirado.S, 1985, 45).

علیرغم بروز جنگ میان طوارق و نیروهای نظامی دولت مالی و نیز درگیری با اقوام سیاهپوست منطقه، در هر برهه که طرفین اراده مذاکره و حل اختلاف بر مبنای گفتگو نمودند، طوارق از خود حسن نیت نشان داده و سعی کردند با مذاکره مشکل حل شود. همانطور که گفته شد قراردادهای مختلف صلح میان طوارق و دولتهای مختلف مالی به امضا رسید که هیچ یک از آنها توسط دولتهای وقت به مورد اجرا درنیامد و طوارق برای ابراز نارضایتی خود و از روی اضطراب دست به اسلحه بردند. اما شورش‌هایی که در آستانه تبدیل شدن به یک جنگ داخلی تمام عیار بود و می‌توانست تمامیت ارضی مالی و منطقه را بر هم زند، با تکیه بر اصل گفتگو و تفاهم به پایان رسید. در دیگر مناطق آفریقا شاهد هستیم هنگامی که گروهی دست به اسلحه ببرد و مناطقی از کشور را هم در اختیار داشته باشد معمولاً فقط به سرنگونی دولت و یا کسب امتیازات بسیار بالا رضایت خواهد داد و همین امر موجب تداوم بحران در بسیاری از مناطق آفریقا شده است. شورش جنوب سودان را شاهد هستیم که علیرغم چند سال مذاکره هنوز به نتیجه قطعی نرسیده و شورشیان جنوب سودان به چیزی کمتر از تجزیه و در اختیار گرفتن چاههای نفت جنوب رضایت نمی‌دهند و یا بحران ساحل عاج (۲۰۰۲-۲۰۰۳) که شورشیان فقط با تقسیم قدرت و گرفتن امتیازات بالا و تشکیل دولت ائتلافی حاضر به ختم مناقشه شدند.

## نتیجه گیری

استعمار، امپراتوریهای بزرگ آفریقا (مالی، غنا و ...) را که هر کدام در یک سرزمین بزرگ شکل گرفته بودند نابود کرد. این امپراتوریها برای آفریقاییها نمادی از «ملت» بود. حاکمان پس از استقلال نیز هر چه از دستشان برآمد انجام دادند اما نتوانستند شوکت گذشته را تجدید نمایند.

بعد از جنگ سرد، مردم سالاری چند حزبی بر آفریقا تحمیل و این فرضیه تقویت شد که بسیاری از معضلات کشورهای آفریقایی ناشی از سوء مدیریت خودشان می باشد، تا قبل از آن، شورشها بیشتر به عنوان بیان صریح بیزاری خلق از دستگاه حکومتی مورد توجه قرار می گرفت و به دنبال آن پذیرش بین المللی آنها افزایش یافت. اما با پایان جنگ سرد، کشورهای صاحب امتیاز در نظم نوین جهانی به جای ارسال اسلحه برای رژیمهای حاکم و سرکوب شورشها، بیشتر تمایل پیدا کردند تا یک راه حل جدید سیاسی برای پایان دادن به آشوبها اتخاذ شود اما همانطور که تدریجا بر مشروعیت شورشها افزوده شد تأثیر گذاری حکومتهایی که طرف درگیر با شورشها بودند تضعیف شد و این فرضیه که نخبگانی در فرایند استقلال به قدرت رسیده و وارث ابزاری شدند که با آن بتوانند جوامع تحت کنترل خود را دگرگون کنند به عنوان فرضیه ای باطل به اثبات رسید.

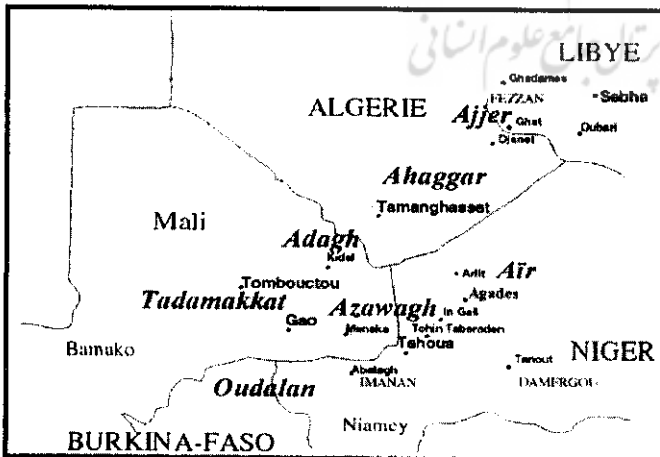
«ایدئولوژی و تاریخ اساطیر جنبشهای شورشی در طول تاریخ به طریقه ای منطقی و قابل درک صحنه بر این واقعیت می گذارد که این ظلم و استعمار است که مردم را به سوی سلاح سوق می دهد با توجه به این حقیقت که در اکثریت موارد، مجالی برای مجادله و اعتراض نیز وجود نداشته است تنها شرایطی بسیار وخیم است که مردم را به اتخاذ اقدامی به خطرناکی و گرانی جنگ چریکی سوق می دهد» (گودرزی، فرهاد، ۱۳۷۸).

در سنگال هم که یکی از میان روترین حکومتهای آفریقایی محسوب می شود یک احساس بیگانگی در منطقه کازامانس سرانجام به مقاومتی مسلحانه منتهی شد. در هر صورت نفی جنگ یعنی اراده سیاسی برای پرداختن به ریشه های جنگ و حذف آنها. نقض حقوق مردم و نقص در مردم سالاری یکی از عوامل خشونت، جنگ و ترور است. هنگامی که مردم محروم و ستمدیده هیچ راه دیگری نداشته باشند به راههای افراطی و خشن روی می آورند. آفریقا می تواند مردم سالاری را با فرهنگ خاص خود و به دور از الگوهای وارداتی از غرب مجددا کشف کند. آفریقا با بازیافت دوران امپراتوریها می تواند فضای عظیم اقتصادی قاره را کشف کند. نتیجه پایان مناقشه برای کشورمالی این بود که توانست از یک سری کمکهای بین المللی بهره مند شود و این اقدام به عنوان الگویی از مردم سالاری مشارکتی تلقی گردید و متعاقب آن مالی در سطح منطقه توانست ریاست دو سازمان مهم (اکواس و جامعه اقتصادی پولی غرب آفریقا) را به دست آورد و در سال ۱۹۹۹ به

عضویت غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل در آید. پذیرفتن پایان شورش از طریق مذاکره توسط طوارق و قبول تحویل سلاح و سوزاندن آنها در قبال آرامش منطقه، در ختم این مناقشه و درگیریهای مسلحانه قابل توجه است. یک طارقی تمام اوقات فراغت خود را به آواز خوانی می‌پردازد و اقوام سیاهپوست مالی نیز برای کلام و سخن اهمیت ویژه‌ای قایل هستند و طبق یک ضرب‌المثل مالیایی «هر مشکلی با گفتگو حل می‌شود». تمام مراسم اقوام مالی همراه با سخنوری پیران و سخنوران قوم است. ازدواج، خواستگاری، حل اختلافات، تقسیم اراضی، تقسیم خرمن و ... همگی از طریق گفتگو و میانجی‌گری ریش سفیدان انجام می‌شود. هم‌اکنون هم دولتهای غرب آفریقا در نظام اداری خود «میانجی جمهوری» دارند که وظیفه میانجی‌گری و حل اختلاف شهروندان با دستگاه اداری را برعهده دارد. وی از میان معتمدان و ریش سفیدان کشور انتخاب و مستقیماً با حکم رییس جمهور منصوب می‌شود. در طول تاریخ سودان فرانسه که اکنون بخشی از آن مالی نامیده می‌شود و حتی در تاریخ غرب آفریقا مشاهده می‌شود که اغلب جنگها و درگیریها ناشی از اختلافات قومی و نژادی نبوده و بیشتر جنبه جهان‌گشایی داشته‌اند. اقوام مختلف منطقه در طول تاریخ علیرغم سیطره قومی خاص در برهه‌ای از تاریخ، در صلح و آرامش در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند و در واقع مکمل یکدیگر بوده‌اند. کاروانهای سنگ نمک همیشه از شمال به مناطق جنوبی حمل می‌شد و از جنوب کاروانها همراه خود کولا، ارزن و برنج به مناطق شمالی می‌بردند. دامداران عشایر (طوارق) در طول تاریخ دامهای مازاد خود را با محصولات صیادی و کشاورزی اقوام پل و مالینکه در حاشیه رود نیجر مبادله می‌کردند. اما استعمار به مرور این نظام اقتصادی غرب آفریقا را برهم زد و به تدریج طوارق صحرائشین به حاشیه‌نشینی رانده شدند. آفریقا می‌تواند با بهره‌گیری

از مبانی غنی فرهنگی خود و به کار بستن راهکارهای موجود در آداب و سنن خود هرگونه اختلافی را حل کرده و رابطه‌ای منطقی میان اقوام برقرار نماید.

نقشه ۱ سرزمین طوارق \*



## منابع و مأخذ

۱. آزر- ای ادوارد و این مون چونگ، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹: امنیت ملی در جهان سوم، ج اول؛ تهران.
۲. سیسک، تیموثی، ترجمه مجتبی عطارزاده، ۱۳۷۹؛ تقسیم قدرت و میانجی‌گری بین‌المللی در منازعات قومی، ج اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. گودرزی، فرهاد، ۱۳۷۸؛ تحلیل شورشهای آفریقا، برگرفته از کتاب چریکهای آفریقا نوشته کریستوفر کلافام، تهران، گزارش وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران؛ تهران.
۴. مک کین، لای و آردی لیتل، آزر، ترجمه اصغر افتخاری، ۱۳۸۰؛ امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ج اول، تهران.
5. ABITOL, M, 1979; *Tombouctou et les Armas*; Ed. Maisonneuve et Larose, Paris.
6. ANDRIAMIRADO, Sennen, 1985; *Le Mali aujourd'hui*; Edition J.A. Paris.
7. BABA, Mahmoud Hasseye; *Le Mali*, 1984; *Culture et civilisation Islamique*; Ed. Jamana, Bamako.
8. BADIAN, Seydou, 1972; *sous l'Orange*, Edition Présence Africaine; Paris.
9. BENOIS, Josef Roger de, 1989; *Le Mali; collection à la Rencontre de*; Edition J.A. Paris.
10. BISSUEL, H, 1988; *Les Touarègs de l'Ouest*; Ed. Librairie Editeur, Alger.
11. BOULANGER, j. et BOUBOU Hama, 1954; *L'Empire de Gao, Histoire, Coutumes et Magies des Songhai*; Ed. Maisonneuve, Paris.
12. BOURGEOT, André, 1997; *les sociétés Touarègues*; Ed. Karthala, Paris.
13. CALLIE, René; *Journal d'un voyage à Tombouctou et à Jenné dans l'Afrique central*; Ed. Français Maspero, Paris, Réédition 1980.
14. CORNEVIN, Robert, 1964; *L'Histoire de l'Afrique*; Ed. Payot, Paris.
15. DAI, Tabias ; *La sécurité et nouveau Partenariat pour le développement de l'Afrique*; Mapoutu; Séminaire le 22-23 janvier 2002.
16. DAUM, Christophe, 1999; *Les Touarègues Kel Adagh*; Ed. Karthala, Paris.
17. DIARRA, Cheikh Oumar, *Le Mali*, Ed. L'Harmatan, Paris,
18. DIAVARA, Baha, 1994; *Les Grands textes de la pratique Institutionnelle de la 3ème république*; Société Malienne d'Édition, Bamako.
19. DIOP, Cheikh Anta, 1960; *l'Afrique noire precoloniale*; Ed. Présence Africaine, Paris.
20. DUBOIS, F. Tombouctou, *la mystérieuse*; Ed. Flammarion, Paris, 1897.
21. GREGOIRE, Emmanuel, 2000; *Les Touaregs du Niger, destin d'un mythe*; Ed. Karthala, Paris.
22. GUY, Harmet in Bidet, j. *Les Paradigmes de la Démocratie*; Paris, PUF, 1994.
23. KONARE, Alpha Oumar et Adam Ba Konaré; *Grandes Dates Du Mali*; Bamako -Mali, 1983.
24. KONARE, Adam Ba, 2000; *L'os de la Parole, cosmologie du Pouvoir*; Edition présence africaine, Paris.
25. KONARE, Adam Ba, 1987; *L'Épopée de ségou, Da Monzon, un pouvoir guerrier* ; Edition Pierre Marcel, Lausanne.
26. KONARE, Kadiatou, 2001; *Le Mali des talents* ; Edition Cauris, Paris.
27. MAGE, Eugèn, 1980; *Voyage au Soudan Occidentale*; Ed. Hachette, Paris.
28. N'DIAY, Bokar, 1970; *Groupes Ethniques au Mali*; Collection Hier, Paris.
29. NGUEMA, Issac; *Violence, droits de l'homme et développement en Afrique*; Revue juridique et politique, indépendance et coopération; Paris, May 1995.
30. POULTON, Robin-Edward et Ibrahim Ag Youssouf, 1998; *La paix de Tombouctou, gestion démocratique, développement et construction africaine de la paix*; Publication des Nations unies, N.G.VF 98.0.3. New York.
31. SAN MARKO, Louis, 1996; *L'Insécurité en Afrique Noire*.
32. VAUTIER, Maguy, 1976; *Parole des Touaregs*; Ed. Albin Michel, Paris.
33. « **Rapport du développement humain** », UNDP, 2000.
34. [www.membres.lycos.fr/temoust.htm](http://www.membres.lycos.fr/temoust.htm).
35. [www.unog.ch/unidr/RR-FMALI/htm](http://www.unog.ch/unidr/RR-FMALI/htm).
36. <http://assignoret.free.fr/touareg1.html>.
37. [www.afribone.net/ml](http://www.afribone.net/ml)
38. [www.quid.fr](http://www.quid.fr)
39. [www.unfpa.org/swp/2002/swpsearch-r.cfm](http://www.unfpa.org/swp/2002/swpsearch-r.cfm)
40. <http://perso.club-intenet.fr/nordinet/frame.htm>
41. [www.geocities.com/paris/chateau/2206/histoire.htm](http://www.geocities.com/paris/chateau/2206/histoire.htm)
42. [www.geocities.com/napavallay/2111/mali.html](http://www.geocities.com/napavallay/2111/mali.html)
43. [www.Afrique.conflit.com](http://www.Afrique.conflit.com)
44. <http://gallicia.bnf.fr/recherche>
45. [www.afriquepluriel.ch](http://www.afriquepluriel.ch)
46. [www.african-geopolitics.org](http://www.african-geopolitics.org)
47. [www.dogon.lobi.ch](http://www.dogon.lobi.ch).